

ظرفیت‌های رسانه‌ای و اقتصادی - سیاسی جنبش عدم‌تعهد برای جمهوری اسلامی ایران

کمال اکبری^۱، زهرا اکبری^۲

چکیده

جنبش عدم‌تعهد در فضای جنگ سرد با هدف استقلال از ابرقدرت‌ها، مبارزه با استعمار و پیشرفت و توسعه کشورهای جهان سوم، اعلام موجودیت کرد. برخی این جنبش را واجد ظرفیت‌های رسانه‌ای، اقتصادی و سیاسی می‌دانند. سؤال اصلی مقاله این است که جنبش عدم‌تعهد چه ظرفیت‌های عملی، شامل سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه رسانه‌ای-ارتباطی برای تقویت روابط و مناسبات بین اعضا دارد؟ روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده است. روش گردآوری اطلاعات، مطالعه اسنادی و مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته با ۵ نفر از صاحب‌نظران این حوزه بوده است. بر اساس نظریه نهادگرایی نولبیرال، می‌توان از ظرفیت سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی برای ایجاد روابط حسنه میان کشورها بهره برد. با توجه به ظرفیت رسانه‌ای-ارتباطی، این جنبش می‌تواند بر ناکارآمدی‌ها و چالش‌های موجود غلبه کرده و باعث ایجاد اتحادی قدرتمند از کشورهای درحال توسعه شود و منافع اعضا را تأمین کند. علاوه بر تبیین ظرفیت‌های مختلف جنبش عدم‌تعهد، سه راهکار ارتباطی-رسانه‌ای اصلی ارائه شده در این پژوهش شامل «همکاری رسانه‌ای اعضا در نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو و اتحادیه جهانی ارتباطات از راه دور»، «استفاده اعضا از ظرفیت‌های رسانه‌ای در ایجاد رسانه‌های مشترک در جهت مقابله با جریان رسانه‌ای امپریالیستی» و «ایجاد نهاد رسانه‌ای در جنبش برای اثرگذاری بر جریان‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی در جهان» است.

واژه‌های کلیدی: جنبش عدم‌تعهد، نهادگرایی نولبیرال، ظرفیت‌های رسانه‌ای، ظرفیت‌های اقتصادی-سیاسی، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱

^۱. استادیار گروه فرهنگ و ارتباطات اسلامی، دانشکده دین و رسانه، دانشگاه صدا و سیما، قم، ایران، (نویسنده مسئول).

kamal.akbari@iribu.ac.ir

^۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

zazahraakbari@gmail.com

Doi: 10.22034/IMRL.2022.150227

**مقدمه**

پس از پایان جنگ جهانی دوم و در نتیجه روند استعمارزدایی، کشورهای زیادی استقلال یافتند که همگی توسعه‌نیافته و یا در حال توسعه بودند. در فضای پر تشنج رقابت میان دو بلوک شرق و غرب، کشورهای تازه استقلال‌یافته که تحت هیچ شرایطی حاضر به پذیرش استیلای ابرقدرت‌ها نبودند، در کنار سایر کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، به فکر ایجاد جنبشی مستقل افتادند؛ جنبشی که بدون وابستگی به ابرقدرت‌ها، اهداف و منافع خود را دنبال کند و مضاف بر آن، در پی ایجاد موازنه مثبت، و نه انفعال و بی‌طرفی منفی، باشد. ایده تشکیل این جنبش با شعار عدم‌تعهد و غیرمتعهد بودن به قدرت‌های شرق و غرب، توسط جواهر لعل نهرو (هند)، مارشال تیتو (یوگسلاوی)، جمال عبدالناصر (مصر) و احمد سوکارنو (اندونزی) مطرح شد. رهبران این کشورها، با هدف ایجاد امنیت و صلح بین‌المللی و مقاومت در برابر استعمار و حمایت همه‌جانبه از حقوق بشر، برای ایجاد چنین سازمانی گرد هم آمدند (بابایی، ۱۳۹۵: ۷).

ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، به دلیل وابستگی کامل به بلوک غرب و البته حضور در پیمان نظامی سنتو، که کاملاً مخالف یکی از اصول بنیادین جنبش یعنی ممنوعیت حضور در هرگونه اتحاد و پیمان نظامی بود، نمی‌توانست عضو جنبش شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی و خروج از پیمان مذکور و با توجه به شعار «نه شرقی، نه غربی»، ایران به‌عنوان ۸۸امین عضو جنبش درآمد. با توجه به نزدیکی آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران با اصول و اهداف این جنبش، ایران به‌عنوان یکی از اعضای مهم جنبش، همکاری‌های زیادی با آن داشته است. اوج اهمیت ایران در این جنبش مربوط به سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۶ است که ایران ریاست عدم‌تعهد را بر عهده داشته است. بیانیه جنبش در حمایت از برنامه هسته‌ای تهران در اجلاس سران در تهران، نقطه عطف همکاری و همراهی آن با جمهوری اسلامی ایران بوده است.

با پایان یافتن جنگ سرد و خاموش شدن رقابت میان دو ابرقدرت، به نظر می‌رسید که این جنبش فلسفه وجودی خود را از دست داده و دیگر کارایی چندانی نخواهد داشت. البته برخی نیز بر این عقیده بوده‌اند که هر چند رقابت مستقیم و صریح دو بلوک دیگر ادامه ندارد، اما مبارزه با استعمار، استکبار و تلاش برای رهایی ملل تحت ظلم، هدفی والاتر از تلاش صرف برای استقلال یافتن از سیطره دو بلوک است. اما نکته مهم این است که این جنبش با وجود تعداد بالای اعضا که ظرفیت‌های خوبی برای همکاری‌های بین‌المللی دارند، نتوانسته کارایی مورد انتظار را به نمایش بگذارد. شاید مهم‌ترین ایراد ساختاری این جنبش، نبود یک دبیرخانه دائمی و



مستقل است. دبیرخانه‌ای که مانند ناتو- که آن هم در فضای جنگ سرد شکل گرفت اما توانست با بازتعریف هویت و اهداف خود، تا به امروز به‌عنوان یک سازمان مهم و مستقل فعالیت کند- بتواند با حوادث روز عرصه بین‌الملل همراه شده و پیشگام در موضع‌گیری‌ها و اقدامات لازم باشد. از سایر اهدافی که برای ادامه فعالیت جنبش مطرح شده، می‌توان به ریشه‌کن نمودن فقر، گرسنگی و بی‌سوادی اشاره کرد (Rasool and Pulwama, 2013: 64-70).

با توجه به ظرفیت‌های موجود در این جنبش و ضمن در نظر گرفتن چالش‌ها و کاستی‌های موجود در آن، سوال اصلی پژوهش این است که این جنبش چه ظرفیت‌های عملی، شامل سیاسی، اقتصادی و به‌ویژه رسانه‌ای-ارتباطی برای تقویت روابط و مناسبات اعضای خود وجود دارد؟ این مقاله قصد دارد با تبیین ظرفیت‌های «جنبش عدم‌تعهد»^۱ در چارچوب نظریه نهادگرایی نولیبرال که اهمیت خاصی برای رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در کنار بازیگری بلامنازع کشورها قائل است و با تأکید بر ظرفیت‌های ارتباطی-رسانه‌ای، راهکارهای عملی برای تقویت روابط و بهبود کارایی این جنبش ارائه دهد. این پژوهش، چالش‌ها و کاستی‌های جنبش عدم‌تعهد را توصیف و ظرفیت‌های موجود برای غلبه بر این کاستی‌ها را تحلیل و تبیین می‌کند. ضمناً با بهره‌گیری از راهبرد قیاسی و در چارچوب نهادگرایی نولیبرال، به راهکارهای عملی و کاربردی جهت استفاده از ظرفیت‌های ذکر شده اشاره می‌شود. روش تحقیق از نوع کیفی و به‌صورت توصیفی- تحلیلی با رویکرد تحلیل منطقی است. لذا، تلاش شد با تشریح ظرفیت‌های جنبش و بررسی روابط آن و کشورهای عضو، وضعیت موجود در چارچوب نظریه نهادگرایی نولیبرال تبیین شده تا برای تبیین این تحقیق به‌دلیل ماهیت عمل‌گرایانه و مبتنی بر مقررات بین‌المللی پس از جنگ دوم جهانی قابل استفاده باشد. علاوه بر منابع کتابخانه‌ای، در این پژوهش از نظرات ۵ نفر از کارشناسان روابط بین‌الملل و رسانه‌ای نیز در قالب مصاحبه نیمه‌عمیق و نیمه‌ساختاریافته و به‌مثابه منبع استفاده شده است که پس از مصاحبه پنجم به اشباع نظری رسیدیم و از نظریات پنج کارشناس در مقاله بهره بردیم.

پیشینه پژوهش

حول محور جنبش عدم‌تعهد مقالاتی نگاشته شده‌اند که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را به دو دسته مقالات داخلی و خارجی تقسیم کرد. مقالات داخلی عمدتاً علاوه بر پرداختن به ماهیت این

1. Non-Aligned Movement



جنبش، به بررسی جایگاه ایران در این جنبش و اقدامات متقابل ایران و جنبش پرداخته‌اند. ترکی و قربانی‌شیرنشین (۱۳۹۸) در چارچوب نهادگرایی لیبرال و با روشی مقایسه‌ای، اهداف کلان و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران و جنبش عدم‌تعهد را بررسی کرده و در نهایت، نفی امپریالیسم، تساوی حاکمیت و برابری ملت‌ها را از مناسبات ایران و این جنبش برشمرده‌اند. کچوئیان (۱۳۹۱) با تأکید بر اهمیت ایران در این جنبش و در پرتو اجلاس‌های سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۳) این جنبش در تهران و به ریاست جمهوری اسلامی ایران، به صحبت‌های انجام شده در این اجلاس پرداخته و برخی از ظرفیت‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران برای بهره‌گیری در زمان ریاست خود را خاطر نشان کرده است. اسلامی و کاوه‌تلاوکی (۱۳۹۲) به تأثیر عضویت ایران در جنبش به‌ویژه پس از سال ۲۰۱۲ پرداخته و روابط دیالکتیک ایران و جنبش را دارای نقشی مهم برای رفع مشکلات هر دو به‌ویژه بحران هویت جنبش بر شمرده‌اند. مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی ایران در گزارشی به قلم بابایی (۱۳۹۵) به بررسی پیشینه ایجاد این جنبش و فلسفه وجودی آن و همچنین چالش‌های پیش روی این جنبش پرداخته است. فتحی (۱۳۸۸) در پی پاسخ دادن به این سؤال است که چه عواملی موجب شکل‌گیری ایده نوسازی در جنبش عدم‌تعهد شد. وی برای پاسخ به این سوال، ایده‌های گوناگون حول محور نوسازی و نوگرایی در جنبش را بررسی کرده است. علایی (۱۳۹۱) ضمن بررسی محتوای جلسات برگزار شده جنبش عدم‌تعهد در تهران، به کارکردهای این اجلاس برای جمهوری اسلامی پرداخته و به فرصت‌های پیش روی ایران به‌عنوان رئیس دوره‌ای این جنبش اشاره کرده است.

مقالات خارجی نیز به این جنبش و ساختار آن پرداخته‌اند. اوگیلیویه وایت^۱ (۲۰۰۷) با نگاهی غرب‌گرایانه و نقادانه به موضوع هسته‌ای ایران پرداخته و با توجه به مواضعی که اعضای جنبش عدم‌تعهد در سازمان بین‌المللی انرژی اتمی برای ارجاع پرونده هسته‌ای ایران به شورای امنیت اتخاذ کردند، جنبش عدم‌تعهد را دارای اختلافات ساختاری زیادی توصیف نموده که دارای شکاف‌های ایدئولوژیک بسیاری میان اعضا است. جزییک^۲ نیز به تعدادی از دستاوردها و ناکارآمدی‌های جنبش عدم‌تعهد اشاره کرده است. رسول و پالواما^۳ (۲۰۱۳) به تفوق اقتصادی و ایدئولوژیک غرب در قرن ۲۱ پرداخته و در پی ارزیابی تأثیر این برتری بر نگرش‌های شرقی و

1. Ogilvie-White

2. Jazic

3. Rasool and Pulwama



جنبش عدم تعهد و همچنین اقدامات این جنبش بوده است. کیتاپونکالان^۱ (۲۰۱۶) به کاستی‌ها و خلاهای موجود در جنبش به‌ویژه پس از فروپاشی شوروی اشاره کرده است. اما با این وجود، نویسندگان معتقد است که این جنبش همچنان می‌تواند کارایی داشته باشد، اگر بر اشکالات فائق بیاید و با تجدید انرژی، به بازشکل‌دهی خود بپردازد.

با وجود اینکه مقالات ذکر شده، تاریخچه و اقدامات جنبش عدم‌تعهد را از زوایای گوناگونی بررسی کرده‌اند، لکن پژوهش حاضر مشخصاً بر ظرفیت‌های این جنبش تأکید نموده و راهکارهای عملی به‌ویژه در ابعاد رسانه‌ای-ارتباطی ارائه خواهد نمود.

چارچوب نظری: نظریه نهادگرایی نولیبرال

نهادگرایی نولیبرال شاخه‌ای از لیبرالیسم است که برای تحلیل روابط میان کشورها، بر استفاده از سازوکارهای نهادهای بین‌المللی تأکید می‌کند. این نظریه، به جای پرداختن به زمینه‌های تنازع و رقابت و درگیری میان دولت‌ها، به عوامل ایجاد همکاری میان آنها اشاره دارد. از دیدگاه نظریه‌پردازان این رویکرد از جمله رابرت کوهن^۲، دولت‌ها تمایل کمتری به رفتارهای خصمانه با یکدیگر داشته و در پی برقراری روابط همکاری جویانه هستند (Fawcett, 2016). منظور از نهادهای بین‌المللی، الگوهای عادی در رویه‌های دو یا چندجانبه است که رفتار پذیرفتنی را تعریف می‌کند. رابرت کوهن که نظریه‌پرداز اصلی نهادگرایی نولیبرال است، با تغییراتی که در دیدگاهش به وجود آمد، تقریر نوینی از نهادگرایی نولیبرال ارائه داد و به همان میزان که وامدار لیبرالیسم بود، بر اصول رئالیسم نیز تکیه و تأکید داشت (مشیرزاده، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۳). این نظریه همانند نظریه نواقع‌گرایی، کشورها را بازیگر اصلی در عرصه روابط بین‌الملل می‌داند، اما در عین حال، اهمیت ویژه‌ای برای بازیگران غیردولتی، مانند سازمان‌های بین‌المللی قائل است و اعتقاد دارد در فضای آنارشیک نظام بین‌الملل، از طریق سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به همکاری و وابستگی متقابل میان دولت‌ها دست یافت. این نظریه درصدد تلفیق سه اصل و عنصر از نواقع‌گرایی و نوکارکردگرایی است. نخست؛ اینکه نقش مهمی به کشورها برای همگرایی قائل است. دوم؛ به انگیزه‌های قوی و قاطعی که برای همکاری به وسیله وابستگی متقابل منطقه‌ای و بین‌المللی ایجاد می‌شود توجه می‌کند و در آخر؛ بر راه و روش‌های تأثیر نهادهای فراملی بر ادراک منافع ملی و ارجحیت‌های کشورها از طریق تأثیرگذاری بر محاسبات سود و زیان

1. Keethaponcalan

2. Robert Keohane



کنش‌های آنها تأکید می‌کند. نهادگرایی نولیبرال، تکامل و تعمیق همگرایی را مستلزم مذاکرات و چانه‌زنی حکومت‌ها و مصالح و سازش آنها می‌داند (ترکی و قربانی، ۱۳۹۸: ۱۰).

با استفاده از این نظریه می‌توان در سطح نظام و از دید کلان، همکاری‌های بین‌المللی را تبیین نمود. بر طبق نهادگرایی نولیبرال، کشورها می‌توانند در قالب نهادهای بین‌المللی منافع مشترک به دست آورند. علاوه بر آن، نهادهای بین‌المللی موجب تسهیل همکاری بین کشورها می‌شوند. این نظریه بر آن است که به‌وسیله نهادها می‌توان هرج‌ومرج بین‌المللی را کاهش داد. بر طبق این نظریه، کشورها می‌توانند به‌وسیله نهاد بین‌المللی سود مطلق خود را افزایش دهند (محسنی، ۱۳۹۲: ۲۲).

بر اساس آن چه از نظریه نهادگرایی نولیبرال بررسی شد، این نظریه بر آن است تا جایگاه ویژه‌ای را که برای نقش و کارکرد سازمان‌های بین‌المللی متصور است به‌عنوان زمینه‌ای برای همگرایی و همکاری بیشتر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی دولت‌ها قرار دهد. این نهاد بین‌المللی، محملی برای همگرایی بیشتر کشورهای جهان سوم و ضداستعماری بوده و با فراهم آوردن روابط مناسب میان اعضا و تسهیل روند همگرایی و همکاری آن‌ها، به کشورهای عضو برای تأمین منافع خود یاری می‌رساند. با توجه به تعریف ارائه شده از چارچوب نهادگرایی نولیبرال، دولت‌های غیرمتعهد علاوه بر تأمین نیازهای یکجانبه، می‌توانند با همکاری و هماهنگی بیشتر، هویت تعیین‌کننده و مستقلی به این نهاد داده و قدرت چانه‌زنی آن را در عرصه بین‌الملل افزایش دهند و از این ظرفیت برای پیشبرد منافع جمعی، و در ذیل آن فردی، بهره بگیرند. به‌عبارت دیگر، نهادگرایی نولیبرال، سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی را به‌عنوان حلقه اتصال دولت‌های عضو آن می‌بیند که حول محور سیاست‌ها و اهداف تبیین شده، در مسیر دستیابی به آن‌ها در ابعاد دو یا چند جانبه همدیگر را یاری می‌رسانند. جنبش عدم تعهد، چنین حلقه‌ای برای کشورهای عضو به‌شمار می‌آید. از این منظر، نظریه نهادگرایی نولیبرال به‌خوبی می‌تواند تعاملات ایران و جنبش عدم تعهد را توجیه نموده و بر همکاری‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی برای بهبود روابط اعضا و افزایش کارکرد آن‌ها در سطح بین‌الملل، تأکید و تمرکز نماید.

۱. جنبش عدم تعهد

۱-۱. تاریخچه

در آغاز دهه ۱۹۵۰ و همزمان با شکل‌گیری کشورهای تازه استقلال‌یافته حاصل از استعمارزدایی و دوران پس از جنگ جهانی دوم، اندیشه عدم تعهد شکل گرفت. اوج این تفکر جدید، در



کنفرانس باندونگ اندونزی خود را به نمایش گذاشت. کشورهای توسعه نیافته یا در حال توسعه آفریقایی و آسیایی در قالب این جنبش در پی ایجاد همکاری‌های بیشتر اقتصادی و سیاسی بودند (فتاحی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). در این دوره رقابت میان آمریکا و شوروی در تمامی عرصه‌ها جریان داشت و آنها می‌کوشیدند با ایجاد پیمان‌های نظامی و کمک‌های اقتصادی، نفوذ خود را در میان کشورهای جهان سوم به‌ویژه کشورهای نو استقلال‌یافته و تازه رها شده از چنگال استعمار گسترش دهند. این کشورها که به‌تازگی پس از یک مبارزه سخت با استعمارگران توانسته بودند استقلال خویش را بازیابند، پیوستن به یکی از دو بلوک شرق و غرب را به معنای استقرار مجدد سلطه ابرقدرت‌ها می‌دانستند. بر این اساس، جریان سومی با نام عدم تعهد به‌وجود آمد که چنانچه از نامش پیداست، بر عدم تعهد به دو بلوک شرق و غرب تأکید نمود. ایده تشکیل این جنبش تا حد زیادی به ابتکار یوسیپ بروز تیتو، رئیس‌جمهور یوگسلاوی، قوام نکرده رئیس‌جمهور غنا، جمال عبدالناصر رئیس‌جمهور مصر، جواهر لعل‌نهر و نخست‌وزیر هند و احمد سوکارنو رئیس‌جمهور اندونزی شکل گرفته بود. مقدمات شکل‌گیری این جنبش در اجلاس کشورهای آسیایی - آفریقایی در باندونگ اندونزی در سال ۱۹۵۵ فراهم شد (بابایی، ۱۳۹۵: ۹).

جنبش عدم تعهد به مفهوم عدم وابستگی به یا حمایت از دو بلوک قدرتمند زمان و هدف آن دوری از سیاست‌های جنگ سرد بوده است. البته این عدم تعهد به معنای بی‌طرفی مثبت است، نه کناره‌گیری. یعنی این جنبش در پی کاهش تنش‌های بین‌المللی در فضای رقابت سنگین دو ابرقدرت بوده است. اصول پنجگانه بنیادین این جنبش بدین قرار است: ۱. احترام به تمامیت ارضی و حاکمیت ملی یکدیگر، ۲. عدم تجاوز، ۳. عدم دخالت در امور داخلی یکدیگر، ۴. برابری و مزایای متقابل، ۵. همزیستی مسالمت‌آمیز (بستان‌بان، ۱۳۹۲: ۹).

جنبش عدم تعهد با حضور دولت‌هایی تأسیس شد که برای نخستین بار در آوریل ۱۹۵۵ کنفرانس باندونگ اندونزی را برگزار کردند و به‌عنوان اولین اجلاس منظم این جنبش نامیده شد. یکی از مسائلی که در همه اجلاس‌های سران عدم تعهد به آن اشاره شده، خلع سلاح‌های هسته‌ای و به‌طور کلی، سلاح‌های کشتار جمعی بوده است (Strydom, 2007: 11). در این راستا، جنبش از رفتار دوگانه آمریکا در برخورد با رژیم صهیونیستی در بحث معاهده NPT ابراز نارضایتی کرده و از آمریکا می‌خواهد که در مورد همه کشورها رفتاری بر اساس قانون و معاهدات داشته باشد (Ogilvie-White, 2007: 462). مسئله دیگر در این زمینه، ایجاد توازن و محدودیت در تولید و استفاده از سلاح‌های متعارف است. غیرمتعهدها به این مسئله که



کشورهای صنعتی و قدرتمند، سایر کشورها را از دسترسی، تولید ادوات و صنایع دفاعی که برای حفظ بقاء و امنیت ضروری بوده و خطری برای سایرین ندارد، منع می‌کنند معترض و خواهان از بین رفتن این رویه تبعیض‌آمیز هستند (Strydom, 2007: 12). جنبش عدم تعهد همچنین به ساختار سازمان ملل و از جمله شورای امنیت اعتراض داشته و آن را ناعادلانه می‌داند. این جنبش خواهان ایجاد اصلاحاتی در ساختار این شورا است تا از این طریق عدالت در میان همه دولت‌ها رعایت شده و صدای همه به یک میزان شنیده شود (Strydom, 2007: 15 & 16).

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که در کنفرانس‌های عدم‌تعهد همواره مد نظر بوده است، مسئله فلسطین است. در اجلاس ششم که در هاوانا پایتخت کوبا برگزار شد، پیشنهاد اخراج مصر از این جنبش مطرح شد؛ زیرا این کشور قرارداد صلح کمپ‌دیوید با اسرائیل را امضا کرده بود (بستان‌بان، ۱۳۹۲: ۳۹). جنبش عدم‌تعهد در کنفرانس‌های متعددی، بر مسئله روابط جنوب-جنوب تأکید کرده و روابط همه‌جانبه و سودمند میان کشورهای جنوب را خواستار شده است. همچنین این جنبش با تأکید بر این اصل که خواهان صلح و امنیت بین‌المللی است و در پی ایجاد جنگ و ناامنی نبوده و نخواهد بود، گفت‌وگوی شمال-جنوب را مطرح کرده است تا روابط سالم و غیراستعماری را با کشورهای صنعتی و توسعه‌یافته داشته باشد (Jazic, 2005: 64).

۲-۱. تشکیلات و ساختار

عدم‌تعهد فاقد یک ساختار سازمانی مانند دیگر سازمان‌های بین‌المللی است. به‌دلیل اختلاف در دیدگاه و ایدئولوژی کشورهای عضو، سران عدم‌تعهد تصمیم گرفتند به‌جای تدوین یک منشور و ساختار سازمانی منسجم، امورات و وظایف خویش را بر اساس اصول و اهداف ذکر شده پیش ببرند. اما رفته‌رفته این جنبش دارای ارکان و زیرمجموعه‌هایی هرچند متفاوت با ساختار رایج بین‌المللی شد. این جنبش فاقد دبیرخانه دائمی است، لذا، کشورهای عضو هزینه‌ای بابت عضویت پرداخت نمی‌کنند. تمامی هزینه‌ها و وظایف دبیرخانه‌ای بر عهده کشوری است که ریاست دوره‌ای ۳ ساله جنبش را بر عهده دارد. در حال حاضر ۱۲۰ کشور از آسیا، آمریکای لاتین و اروپا در جنبش عدم تعهد عضویت دارند.



۲. روابط ایران و جنبش عدم‌تعهد

۲-۱. عضویت ایران در این جنبش

ایران تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، قادر به عضویت در جنبش عدم‌تعهد نبود، چرا که متحد غرب و به‌ویژه آمریکا و عضو پیمان نظامی سنتو بود و همه این‌ها در تضاد با اهداف و اصول جنبش عدم‌تعهد بود. اما یک ماه پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، وزیر خارجه کوبا اعلام کرد که سیاست جدید ایران به این کشور اجازه می‌دهد به جنبش کشورهای غیرمتعهد بپیوندد. وی گفت که دولت جدید ایران اقدامات مهمی در جهت تغییر روابط اقتصادی و سیاسی بین‌المللی انجام داده که با هدف‌های جنبش عدم‌تعهد سازگاری دارد. با توجه به اینکه یکی از شرایط عضویت در جنبش غیرمتعهدها عضو نبودن در هیچ پیمان نظامی بوده است، دولت موقت جمهوری اسلامی ایران از پیمان سنتو خارج شد. نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس اصول بنیادین و اولیه مندرج در سیاست خارجی خویش یعنی «نه شرقی نه غربی» در ششمین اجلاس سران جنبش عدم‌تعهد دره‌اوانا در سال ۱۳۵۹ به‌عنوان هشتادوهشتمین کشور به عضویت جنبش عدم‌تعهد درآمد. نمایندگی‌های جمهوری اسلامی ایران نزد سازمان ملل متحد به‌خصوص در نیویورک در کلیه جلسات دفترهماهنگی جنبش عدم‌تعهد حضور فعالی داشته‌اند (اسلامی و تلاوکی، ۱۳۹۲: ۱۶۹). پذیرش درخواست میزبانی ایران و ریاست جنبش عدم‌تعهد و برگزاری اجلاس شانزدهم سران در تهران یکی از موفقیت‌های عملی ایران در استفاده از ظرفیت این جنبش محسوب می‌شود (جمشیدی، ۱۳۹۶: ۸۷-۸۶).

۲-۲. مواضع مشترک ایران و جنبش عدم‌تعهد

شاید بتوان جنبش عدم‌تعهد را سودمندترین سازمان بین‌المللی دانست که ایران بعد از سازمان ملل به عضویت آن در آمده است. ایران پس از تثبیت اوضاع سیاسی کشور، بر حضور خود در جنبش افزود و جنبش نیز متقابلاً اقدامات مثبتی را به نفع ایران صورت داده است. اعضای جنبش در زمینه‌های حل و فصل جنگ ایران و عراق و برقراری آتش‌بس فعال بودند، هر چند که عدم رعایت بی‌طرفی و توجه نکردن به خواست‌های ایران در زمینه تعیین متجاوز، این تلاش‌ها را به بن‌بست کشاند. محکومیت ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایرباس در تیرماه ۱۳۶۷ (جولای ۱۹۸۸)، حمایت از اجرای قطعنامه ۵۹۸ و دیگر موضع‌گیری‌هایی که با سیاست خارجی کشورمان انطباق دارد به‌خصوص در مورد مساله فلسطین، مخالفت با مذهب‌ستیزی و نژادپرستی و تقاضا



برای گشوده شدن بازار کشورهای شمال بر روی صادرات کشورهای جنوب از جمله این اقدامات بوده است. اما مهم‌ترین اقدام حمایتی جنبش غیر متعهدها در قبال جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای عدم محکومیت ایران در آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بوده است. در جریان نشست شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، کشورهای غیر متعهد در حمایت از جمهوری اسلامی ایران موضع‌گیری کردند و از شورای حکام آژانس خواستند به دور از فشارهای سیاسی، به بررسی دقیق وضعیت هسته‌ای و تسلیحاتی همه کشورهای عضو بپردازند. همچنین سران جنبش عدم تعهد در بیانیه‌ای جداگانه در پایان چهاردهمین نشست خود درهاوانا در سپتامبر ۲۰۰۶ ضمن حمایت از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، خواستار پیوستن رژیم صهیونیستی به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای شدند. شاید جدی‌ترین شاخص برای اثبات فرضیه تلاش جنبش عدم تعهد برای حرکت از حاشیه به متن معادلات بین‌المللی، حمایت قاطعانه ۱۳ کشور عضو جنبش عدم تعهد در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی موسوم به «گروه نم» از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران باشد (اسلامی و تلاوکی، ۱۳۹۲: ۱۷۹).

جنبش عدم‌تعهد از آغاز برنامه هسته‌ای ایران، به دفعات در حمایت از جمهوری اسلامی ایران بیانیه منتشر نموده است. این جنبش تنها در سال ۲۰۱۱ دو بیانیه در حمایت از ایران صادر کرده است. علاوه بر این در سال‌های ۲۰۰۵ و ۲۰۰۶ نیز بیانیه‌های متعدد دیگری صادر کرده بود. در میان این کشورها شیلی، بولیوی، ونزوئلا، کوبا و نیکاراگوئه بسیار فعال بودند. از مهم‌ترین دلایل حمایت کشورهای جنبش عدم تعهد از برنامه هسته‌ای ایران، وضعیت مشابهی است که آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران دارند. در حال حاضر این کشورها به خوبی می‌دانند که علت مخالفت کشورهای غربی با جمهوری اسلامی ایران، کاملاً سیاسی بوده و این امکان بسیار وجود دارد تا با هر یک از آن‌ها نیز به همین نحو برخورد شود. پس با حمایت از ایران به نوعی به دنبال جلوگیری از تفوق کامل کشورهای جهان اول نیز می‌باشند (علی‌حسینی و ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۶۷-۶۶). ضمن اینکه جنبش عدم‌تعهد در سال ۲۰۲۱/۱۴۰۰ از رویکرد آمریکا در استفاده از ابزار تحریم علیه کشورها از جمله ایران انتقاد کرد. در این خصوص، جنبش عدم‌تعهد نگرانی عمیق خود را در خصوص اعمال قوانین و سایر اشکال اقدامات قهرآمیز در حوزه اقتصادی علیه کشورهای در حال توسعه از جمله تحریم‌های یک‌جانبه که موجب نقض منشور ملل متحد و تضعیف قوانین بین‌المللی و قوانین سازمان تجارت جهانی هستند، ابراز کرد. جنبش عدم‌تعهد همچنین نگرانی عمیق خود را در خصوص اعمال قوانین و سایر اشکال اقدامات قهرآمیز در حوزه

اقتصادی علیه کشورهای درحال توسعه، از جمله تحریم‌های یک‌جانبه که موجب نقض منشور ملل متحد و تضعیف قوانین بین‌المللی و قوانین سازمان تجارت جهانی هستند، ابراز داشت (ارشادی، ۱۴۰۰).

مهم‌ترین مواضع جمهوری اسلامی ایران شامل درخواست برای ارتقای نقش جهانی جنبش در عرصه بین‌الملل با هدف تحقق تساوی حقوق در عرصه بین‌المللی، نیاز به تجدید نظر در اصول جنبش برای تکمیل فلسفه وجودی عدم‌تعهد با توجه به مقتضیات و تحولات جهان معاصر، حرکت جنبش به سمت جنبه ایجابی و نقش‌آفرینی و رهبری در جهان معاصر، لزوم تقویت هویت جنبش بر اساس صلح، معنویت و محبت و تحقق آرمان‌های بشری برای غلبه بر ناامنی و تبعیض و بی‌ثباتی، تلاش برای تصحیح روندهای یک‌جانبه‌گرایانه و تبعیض‌آلود موجود، تقویت جنبش غیر متعهدها از طریق تعامل گسترده‌تر و ارتقا و تعمیق بیشتر روابط اعضا با یکدیگر، شناسایی ظرفیت‌های فراوان اقتصادی فرهنگی، سیاسی، فعال‌تر کردن ارکان جنبش، توجه به ظرفیت‌های بالای سیاسی جنبش به‌عنوان نماینده اکثریت جامعه جهانی و استفاده از این ظرفیت جهت حل‌وفصل مناقشات بین‌المللی و توسعه صلح و آرامش و بازنگری کلی در اهداف و ساختار شورای امنیت سازمان ملل و تحقق عضویت دائم دارای امتیاز وتو در شورای امنیت بر مبنای گفتمان عدالت خواهی بوده است (اسلامی و تلاوکی، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

چالش‌های جنبش عدم‌تعهد

جنبش عدم‌تعهد از زمان شکل‌گیری تا به امروز با ضعف‌ها و چالش‌هایی مواجه بوده است. بسیاری از این مشکلات ریشه در ساختار داخلی جنبش و نحوه فعالیت اعضا دارد، اما در این میان نباید از تأثیر منفی عوامل بیرونی نیز غافل ماند. سیاست‌های یکجانبه‌گرایانه آمریکا و تهدید کشورهای جهان سوم، آن‌ها را در موضع انفعال قرار داده است و با نفوذ میان اعضا، مانع از قاطعیت آن‌ها در تصمیم‌گیری و اعلام مواضع ضداستکباری شده است (محسنی، ۱۳۹۲: ۷۷). ایالات‌متحده و سایر قدرت‌های غربی، از نقطه ضعف کشورهای عضو جنبش که همان وابستگی اقتصادی به بازار سرمایه‌داری غرب است استفاده کرده و با این اهرم فشار، اعضا را وادار ساخته‌اند تا طبق منافع آن‌ها در مجامع بین‌المللی رأی داده و اصول اساسی جنبش را نقض کنند. آمریکا با دادن پیشنهاد کمک‌های اقتصادی بلاعوض به برخی کشورهای نیازمند عضو جنبش، از آن‌ها بهره‌برداری سیاسی می‌کند. نمونه این اتفاق زمانی رخ داد که برخی از اعضای جنبش، دو هفته پس از اجلاس تهران که در آن برای حمایت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران بیانیه صادر





کرده بودند، در تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه ایران، شرکت کردند. از ۳۵ عضو شورای حکام، ۱۵ کشور غیرمتعهد بودند. از میان این تعداد، ۱۱ کشور مانند آفریقای جنوبی، برزیل و هند رأی مثبت دادند؛ مصر، تونس و اکوادور رأی ممتنع و فقط کوبا به قطعنامه علیه ایران رأی منفی داد. همه این اختلافات نشانگر نفوذ و کارشکنی عوامل بیرونی است (علایی، ۱۳۹۱: ۳۶۸).

ایجاد فضای مثبت رسانه‌ای و ارتباطی میان اعضا و در سطح جهانی می‌تواند مانع از عقب‌نشینی برخی کشورها از شعار و سیاست‌های مشترک شود و حداقل فشار افکار عمومی را محقق نماید. اما مهم‌تر از نقش عوامل بیرونی، باید به ناکارآمدی‌های ساختاری و مشکلات موجود در داخل جنبش اشاره کرد. عدم وجود یک دبیرخانه دائمی و مستقل برای این جنبش باعث شده نتوان آن را هم‌تراز سایر سازمان‌های بین‌المللی به حساب آورد. برخی از اعضای اصلی جنبش مانند یوگسلاوی، اندونزی، هند و غنا مخالف ایجاد دبیرخانه دائمی بوده‌اند. زیرا از طرفی نگران هزینه‌های دبیرخانه هستند که بر عهده آن‌ها قرار می‌گیرد، و از طرف دیگر نمی‌خواهند گروهی از کشورهای توسعه‌نیافته، هدایت و کنترل جنبش عدم تعهد را در دست بگیرند (Keethaponcalan, 2016: 11).

دیگر چالشی که در این جنبش وجود دارد، چالش ساختاری است. دلیل این امر را در توسعه‌نیافتگی اعضا می‌توان جست. این کشورها که عمدتاً تازه استقلال یافته بودند، از نظر اقتصادی همچنان وابسته به ابرقدرت‌ها بوده و از ایجاد ساختار مالی و اقتصادی منسجم، ناتوان بوده‌اند (علایی، ۱۳۹۱: ۳۶۸). در زمینه اشکالات ساختاری، به روش رأی‌گیری در این جنبش نیز باید توجه داشت. تصمیم‌گیری در جنبش بر اساس اتفاق آراء انجام می‌شود و این یعنی با کوچکترین اختلاف نظری میان اعضا، هیچ تصمیم مهمی گرفته نمی‌شود (محسنی، ۱۳۹۲: ۷۸). عوامل درونی دیگری مانند جناح‌بندی‌های داخلی اعضا، ناسیونالیسم و ناهمگون بودن ترکیب کشورهای عضو نیز بر ناکارآمدی این جنبش مؤثر بوده‌اند. در میان عوامل درونی که باعث ضعف در عملکرد جنبش عدم تعهد شده است، باید به چالش هویتی توجه ویژه‌ای کرد. پس از پایان جنگ سرد و از بین رفتن بلوک شرق، گویی این جنبش فلسفه وجودی خود را از دست داد و بسیاری بر این عقیده‌اند که جنبش دیگر کارایی نداشته و باید منحل شود (علایی، ۱۳۹۱: ۳۶۸). بسیاری از نظریه‌پردازان اروپایی پایان جنگ سرد را برابر با پایان جنبش عدم تعهد دانسته‌اند و فلسفه «غیرمتعهد بودن» را زیر سؤال برده‌اند. آن‌ها دائماً به این نکته اشاره می‌کردند که جنبش، پس از فروپاشی شوروی هیچ ارتباطی با غیرمتعهد بودن ندارد (Keethaponcalan, 2016: 5).



همانگونه که سازمان ناتو، اگو و اتحادیه اروپا پس از پایان جنگ سرد، با توجه به ملزومات نظام بین‌المللی جدید، در هویت و اهداف خود بازنگری کرده و بازتعریفی از جایگاه خود ارائه دادند، جنبش عدم‌تعهد نیز باید مجدد شرایط نظام بین‌الملل را در نظر گرفته و برای ادامه مسیر، هویت خود را از نو تعریف کند (کوزه‌گر کالجی، ۱۳۸۵: ۵۵). یکی از اشکالاتی که ناشی از عدم بازتعریف اهداف جنبش در نظام بین‌المللی جدید است، نام جنبش عدم‌تعهد می‌باشد. این نام، مناسب جنبش نیست، چرا که متعهد نبودن به قدرت‌ها تنها هدف این جنبش نبوده است. تأکید عنوان جنبش بر این وجه از اهداف جنبش به تنهایی، باعث شده است افراد زیادی بدون توجه به سایر اهداف جنبش، ادامه کار آن را در فضای پس از جنگ سرد غیرممکن بدانند (Ibid: 10).

۳. ظرفیت‌های جنبش عدم‌تعهد

۳-۱. ظرفیت‌های رسانه‌ای

با توجه به تعداد بالای اعضا و اشتراکاتی که ایران با این جنبش دارد، ظرفیت‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، امنیتی و رسانه‌ای برای تقویت مناسبات بین ایران و جنبش وجود دارد. یکی از ظرفیت‌ها و در پی آن اقدامات مؤثر در این زمینه و برای تعمیق روابط میان ایران و اعضای این جنبش، بهره‌گیری از دیپلماسی فعال رسانه‌ای است (ترکی و قربانی، ۱۳۹۸: ۲۰). بر اساس مفروضات اصلی نظریه نهادگرایی نولیبرال، نهادهای بین‌المللی می‌توانند با ایجاد رویه‌های مطلوب، همکاری و همگرایی بیشتر کشورها را باعث شوند. از آنجایی که نهادگرایی لیبرال، دولت‌ها را بازیگر اصلی عرصه بین‌الملل می‌داند، این دولت‌ها هستند که باید برای ایجاد همکاری‌های بیشتر، اقدام به تأسیس نهادهای مشترک کرده و از ظرفیت‌های معاهدات و رژیم‌های بین‌المللی بهره بگیرند. نهادهای رسانه‌ای از جمله این نهادها هستند که با ایجاد زمینه‌ای برای مذاکره و چانه‌زنی در مسائل گوناگون با کشورهای عضو، به‌ویژه آن‌هایی که با ایران قرابت جغرافیایی دارند، می‌توانند زمینه‌ساز فعالیت‌های گوناگون و اتحاد و همبستگی بیشتر اعضا شوند. به‌ویژه این اتحاد می‌تواند در زمینه حمایت از برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای کشورهای عضو و مقابله با تحریم‌ها، بسیار سودمند باشد. همکاری‌های رسانه‌ای اعضای جنبش می‌تواند همگرایی مهمی بین آنها ایجاد کرده و ضمن تقابل با جریان امپریالیستی رسانه‌ای غرب، همبستگی درونی خود را افزایش داده و به اقناع افکار عمومی داخلی کشورهای عضو جهت حمایت از تصمیمات و اقدامات بپردازند.



در جهان امروز، تعاملات و تأثیرات فرهنگی به‌ویژه رسانه‌های همگانی، در ایجاد همگرایی میان کشورها نقش بسزایی دارند. با پیشرفت فناوری ارتباطات و از بین رفتن فاصله‌های مکانی، جهانی به‌وجود آمده است که ویژگی‌ها، ملاک‌ها و معیارهای متفاوتی در مقایسه با دوران گذشته دارد. در جهان کنونی دیگر روابط بین کشورها همچون گذشته نیست که فقط دولت‌ها و حاکمیت‌ها از یکدیگر تأثیر بپذیرند، بلکه در عرصه جدید، علاوه بر دولت‌ها، افکار عمومی کشورها یا به تعبیر بهتر افکار عمومی جهانی نیز یک عامل تأثیرگذار است و در برنامه‌ریزی‌های روابط بین‌الملل منظور می‌شود. بنابراین در عصر کنونی، روابط بین کشورها را فقط حاکمیت‌ها تعیین نمی‌کنند، بلکه دولت‌ها، افکار عمومی و فناوری‌های اطلاعاتی-ارتباطی، مجموع معادلات روابط بین‌الملل را می‌سازند (نای و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۳).

با توجه به اهمیت مسئله رسانه و لزوم بهره‌گیری از قدرت نرم، نیاز است که اعضای جنبش نیز به این امر توجه داشته باشند. به‌همین دلیل کشورهای عضو جنبش برای مقابله با کارزار رسانه‌ای غرب از اوایل دهه ۱۹۷۰، در چهارمین نشست سران جنبش در الجزایر بر لزوم تأسیس یک ارگان ارتباطی تأکید کرده و خواهان تحقق یک جریان آزاد مستقیم و سریع اخبار و اطلاعات شدند. در سال ۱۹۷۵ با ائتلاف دوازده آژانس خبری کشورهای عضو، هسته مرکزی این بنا نهاده شد و در کمتر از یک سال تعداد اعضا به ۴۰ کشور رسید، در سال ۱۹۷۹ برای نخستین بار مفهوم نظام نوین اطلاعاتی بین‌المللی از سوی کشورهای غیر متعهد در سمپوزیوم همکاری ملل غیرمتعهد در زمینه اطلاعات در تونس مطرح و بالاخره نخستین کنفرانس عمومی ائتلاف که در ژوئیه ۱۹۷۶ در دهلی‌نو برگزار شد، اساس‌نامه نهایی تصویب گردید. بنابراین لازم است ایران هر چه بیشتر به توسعه رسانه در زمینه‌های مختلف بین‌المللی توجه داشته باشد (ترکی و قربانی، ۱۳۹۸: ۲۲). کشورهای عضو جنبش می‌توانند با هدف استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌ای، کمیته فعالیت‌های رسانه‌ای و فرهنگی را تأسیس کنند؛ از جمله ایجاد پایگاه خبری و انجام اقدامات جدی در جهت ایجاد جریان آزاد اطلاعات در سطح بین‌المللی. هم‌چنین این جنبش با سرمایه‌گذاری بر تولیدات نمایشی مانند فیلم‌های سینمایی و مستند، می‌تواند بر جوسازی‌های رسانه‌ای تا حدی غلبه کرده و هم‌چنین تریبونی برای شنیده شدن خواسته‌های کشورهای جهان سوم و بیان آرمان‌های آنها باشد.

سازمان یونسکو در یکی از گزارش‌های خود درباره بی‌نظمی در حوزه اطلاعات و ارتباطات چنین گفته است: «سیل بی‌امان اطلاعات در برخی از رشته‌ها، مسدود بودن بعضی از مجراهای



ارتباطی، بی‌نظمی انتشارات و موانع زبانی از یک سو، ناتوانی ما در حذف پاره‌ای از اطلاعات کهنه و غیرضروری از نظام نگاه‌داری اطلاعات، از سوی دیگر در وضع کنونی، ما را در برابر موقعیت خطیری قرار داده است، زیرا که توازن توزیع اطلاعات را در بین کشورها برهم زده است (معمدنژاد، ۱۳۶۹: ۱۱).

در حقیقت، نظم نوین اطلاعات و ارتباطاتی که مورد نظر کشورهای در حال توسعه است، بر نکات زیر تأکید می‌کند:

الف) دکتترین جریان آزاد اطلاعات که از دهه ۱۹۴۰ استقرار یافته است، رسانه‌های غربی و محتواهای خبری آن‌ها را در سراسر جهان نیرومندتر و گسترده‌تر کرده است.

ب) تمرکز رو به فزون صنایع ارتباطی و رسانه‌های کشورهای غربی، به تسلط صاحبان مؤسسات اقتصادی بزرگ این کشورها بر مالکیت و فعالیت رسانه‌های کشورهای کوچک و فقیر منجر شده است.

ج) اهمیت رو به افزایش فناوری‌های تحت کنترل کشورهای غربی بر تولید، توزیع و انتشار رسانه‌ها، کارکردهای ارتباطی و رسانه‌ای کشورهای دیگر را دشوارتر ساخته است.

در چنین وضعیتی، کشورهای غربی از جمله آمریکا، برای مهار و انتقال اطلاعات در مجرای یکنواخت، پیشنهاد برقراری نظم نوین اطلاعات و ارتباطات را مطرح کردند. بنابر ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر درباره آزادی اطلاعات، نظم بین‌المللی حاکم بر اطلاعات و ارتباطات بر مبنای جریان آزاد اطلاعات پایه‌ریزی شد (معمدنژاد، ۱۳۶۹: ۱۲). در پی استقلال‌طلبی برخی از کشورهای در حال توسعه، به وضع نامطلوب جریان یکسویه اطلاعات و فاصله روزافزون این کشورها با دیگر ممالک غربی اعتراض شد. در همین زمینه، از ضرورت ایجاد یک «جریان متعادل اطلاعات» در سطح دنیا، و به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه سخن به میان آمد (فرح‌زاد، ۱۳۷۲: ۴۳).

تصمیم کنفرانس عمومی یونسکو در نوزدهمین اجلاسیه آن در پاییز ۱۹۷۶ راجع به ایجاد «کمیسیون بین‌المللی مطالعه درباره مسائل ارتباطات»^۱ و به‌ویژه تصویب اعلامیه مربوط به نقش وسایل ارتباط جمعی در روابط بین‌المللی در بیستمین اجلاسیه کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۱۹۷۸، از موفقیت‌های مهم کشورهای در حال توسعه در جهت استقرار «نظم نوین اطلاعات و ارتباطات» بود (Bell, 1979: 500). به‌موجب اعلامیه اخیر که تدارک و تصویب آن به‌علت

^۱ . International Commission for the Study of Communication Problems



مخالفت کشورهای بزرگ غربی و مخصوصاً ایالات متحده آمریکا و انگلستان چند سال به طول انجامید، به‌جای دکنترین «جریان آزاد اطلاعات» که از دوره پس از جنگ جهانی دوم از حمایت قاطع غرب برخوردار بود، اصل جریان آزاد و اشاعه گسترده‌تر و متعادل‌تر اطلاعات^۱ مورد پذیرش جهانی قرار گرفت (CORDIS, 1993). اما با تصویب گزارشی با عنوان «یک جهان و چندین صدا» در سال ۱۹۸۰، در جریان برگزاری بیست‌ودومین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در پاییز ۱۹۸۳، دولت آمریکا اعلام کرد که به‌عنوان اعتراض علیه روند سیاسی شدن مباحثه‌های یونسکو، در پایان سال آینده از عضویت آن خارج می‌شود (Executive Board of UNESCO, 1996). یک سال بعد، این تصمیم به اجرا درآمد و دولت انگلستان هم به پیروی آمریکا از یونسکو خارج شد.

جنبش غیرمتعهدها در جریان برگزاری کنفرانس‌های سران در سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۶، از شیوه انتقاد ساده علیه عملکردهای فرهنگی و ارتباطی شرکت‌های فراملی و قدرت‌های بزرگ غربی در سطح جهانی، به مبارزه وسیع برای استقرار نظم نوین جهانی مذکور تغییر رویه داد و با همکاری کشورهای وابسته به این جنبش و بسیاری دیگر از کشورهای عضو سازمان ملل متحد و تأکید بر لازم و ملزوم بودن «نظم نوین اطلاعات و ارتباطات» و «نظم نوین اقتصادی بین‌المللی»، به مساعی یونسکو در این زمینه کمک کرد (Siochu, 2004: 203). به‌نظر می‌رسد با وجود کارشکنی‌های قدرت‌های بزرگ، نهادهای بین‌المللی، به‌ویژه نهادهایی با تعداد بالای اعضا، ظرفیت‌های بالقوه‌ای برای همکاری کشورها ایجاد کرده‌اند. جنبش عدم تعهد نه تنها به اتکای اعضای خود، بلکه با ایجاد پیوند با سایر نهادهای بین‌المللی از جمله یونسکو، می‌تواند گامی بلند برای تحقق اهداف ارتباطی-رسانه‌ای خود بردارد.

بر اساس نظر تحلیلی کارشناسان در این پژوهش، از ظرفیت‌های رسانه‌ای این جنبش، علاوه بر هماهنگی در اعلام مواضع به‌ویژه در سازمان ملل متحد و در مسائلی مانند برجام، می‌توان به ظرفیت تأثیرگذاری بر افکار عمومی ملل غیرمتعهد اشاره کرد. در این راستا، ایران و کشورهای عضو جنبش می‌توانند با فعال‌سازی دیپلماسی عمومی و رسانه‌ای، افکار عمومی سایر اعضا و هم در سطح جهان را تحت تأثیر قرار داده و باعث ایجاد هم‌افزایی بیشتری میان اعضا شوند.

جمهوری اسلامی ایران همواره در پی بهره‌گیری حداکثری از همراهی اعضای این جنبش بوده است. دولت هشتم تلاش بسیاری برای ایجاد اتحادیه خبرگزاری‌های جنبش عدم تعهد با

1. Free Flow and Wider and Better Balance Dissemination of Information



محوریت جمهوری اسلامی نمود. در این راستا، ایران مایل بود که هر واقعه خبری در وهله اول از منبعی که خبر مذکور در آن رخ داده پیگیری شود و در مراحل بعد، به سایر خبرگزاری‌های بین‌المللی رجوع شود. اما این طرح به دو دلیل عمده با موفقیت همراه نشد. دلیل اول این که جنبش عدم‌تعهد اساساً یک باشگاه سیاسی است که منافع ملی هر یک از اعضا بر منافع جمعی ترجیح دارد. از همین روست که با وجود جلساتی که رؤسای جمهور و سران غیرمتعهد هر سه سال یک بار و وزرای خارجه آنها هر ساله برگزار می‌کنند تا بتوانند دارای رأی قابل‌توجهی در مجمع عمومی سازمان ملل باشند و حتی فراتر از آن بتوانند عضو شورای امنیت شوند، در این مهم موفقیتی بدست نیاوردند.

دلیل دوم سلطه جریان‌های مسلط خبری (امپریالیسم خبری) در سراسر جهان است. بر خلاف هماهنگی میان رسانه‌های جریان اصلی جهانی مانند تایمز، گاردین، رویترز و مانند آنها، اعضای غیرمتعهد منابع لازم را در اختیار یکدیگر قرار نمی‌دهند و حتی گاهی به خبرنگاران سایر کشورهای عضو اجازه فعالیت داده نمی‌شود. از این رو هماهنگی سیاسی‌ای که خلاء آن در بُعد سیاسی مشاهده می‌شد، در همکاری‌های رسانه‌ای نیز به چشم می‌خورد (بهشتی‌پور، ۱۴۰۱). بنابراین، اگر ظرفیت‌های رسانه‌ای را به سه دسته کلان مقیاس، میان مقیاس و خرد مقیاس تقسیم کنیم، با توجه به سلطه رسانه‌های جریان اصلی، عمده ظرفیت‌های کشورهای عضو در میان مقیاس و خرد مقیاس قابل مشاهده و عملیاتی‌سازی است. ضمن اینکه برای تأثیرگذاری در مقیاس گسترده، علاوه بر بهره‌مندی از ظرفیت‌های فناورانه و رسانه‌ای و دارا بودن منابع مالی، باید توان بالایی در مفهوم‌سازی و گفتمان‌سازی که خود نیازمند مقولات عمیق فلسفی است، داشت که از این نظر جنبش عدم‌تعهد دچار خلاءهایی است (حداد، ۱۴۰۱).

۲-۳. ظرفیت‌های اقتصادی

جنبش عدم تعهد به‌مثابه یک نهاد بین‌المللی، زمینه‌ای بسیار مناسب برای همکاری‌های اقتصادی، همچون رسانه‌ای و فرهنگی در اختیار کشورهای عضو می‌گذارد. مهم‌ترین راهکاری که می‌تواند روابط میان اعضای جنبش را تا حد زیادی بهبود ببخشد و دست قدرت‌های بزرگ جهان را از منابع و معادن ارزشمندی که در این کشورها وجود دارد، کوتاه سازد، ایجاد سازوکار مالی و اقتصادی درون سازمان است. با توجه به چارچوب نظری مقاله که نهادگرایی نئولیبرال است، ایجاد رژیم‌ها و سازمان‌های بین‌المللی به دولت‌ها به‌عنوان بازیگران اصلی عرصه روابط بین‌الملل کمک می‌کند تا روند جهانی‌شدن را کنترل کرده و از طریق همبستگی‌های اقتصادی،



به تعاملات سیاسی دست یابند (ترکی و قربانی، ۱۳۹۸: ۲۴). همان‌طور که پیش‌تر هم بدان اشاره شد، جنبش عدم‌تعهد، جنبشی وسیع و دارای تعداد بالای اعضا و جمعیت فراوانی است. طبق بررسی سال ۲۰۱۱، از جمعیت ۷ میلیاردی جهان، ۳۶۶ میلیارد آن ذیل این جنبش قرار می‌گیرد. کشورهای عضو مجموعاً حدود ۱۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را در دست دارند. این درصد برای تجارت کالایی، ۲۰ درصد تجارت جهانی کالا است. همچنین ۲۱ درصد کل صادرات جهان مربوط به غیرمتعهدهاست. در بحث انرژی هم از ۴۰ کشور تولید کننده نفت، ۲۸ کشور عضو این جنبش هستند (مصطفی‌پور، ۱۳۹۱: ۱۷۰-۱۶۱).

با وجود ضعف اقتصادی که در اکثریت کشورهای غیرمتعهد مشاهده می‌شود، با توجه به ظرفیت‌های اقتصادی ذکر شده و منابع غنی انرژی موجود در این کشورها، راه‌های بسیاری برای فعال‌سازی این ظرفیت‌های بالقوه وجود دارد. اعضای عدم‌تعهد می‌توانند صندوقی را برای عرضه وام و تسهیلات به اعضا ایجاد کرده و مانع از باج‌گیری قدرت‌های خارجی از این کشورها در ازای وام و کمک‌های مالی شوند. همچنین روابط اقتصادی شامل صادرات و واردات کالا را می‌توان با تعرفه‌هایی اندک، میان اعضا رونق داد و از این طریق تحریم‌های اقتصادی صادره علیه کشورهای عضو را تا حد زیادی کم اثر کرد. کشورهایی مانند ایران، هند، اندونزی و آفریقای جنوبی که از سطح بالاتری در اقتصاد، تولید کالا و فناوری برخوردارند، باید تأمین‌کننده اصلی کالای مصرفی کشورهای کمتر توسعه‌یافته عضو جنبش باشند و به‌مرور زمان، با انتقال دانش و فناوری، مسیر رشد این کشورها را هم فراهم کنند.

۳-۳. ظرفیت‌های سیاسی

جنبش عدم‌تعهد دارای ۱۲۰ عضو است که حدود یک سوم اعضای سازمان ملل متحد را شامل می‌شود. چنین ظرفیت بالایی در هیچ یک از نهادهای بین‌المللی مشاهده نمی‌شود. این تعداد بالای اعضا در صورت همکاری و همفکری و اتخاذ مواضع هماهنگ، می‌تواند در تصمیم‌گیری‌های کلان بین‌المللی دارای وزن بالا و تعیین‌کنندگی بسیار باشد. به‌طور کلی ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک این جنبش عبارت است از:

۱. پیگیری مطالبات کشورهای عضو جنبش در مجمع عمومی سازمان ملل و نهادهای بین‌المللی؛ اعضای جنبش با هماهنگی در اتخاذ مواضع می‌توانند با یکجانبه‌گرایی قدرت‌های بزرگ مقابله کنند (مومنی، ۱۴۰۱).



۲. ضرورت تقویت همکاری‌ها برای صلح بین‌المللی و منطقه‌ای: جنگ اوکراین و ناکارآمدی شورای امنیت و رویکرد افسارگسیخته آمریکا و متحدانش برای استفاده از ابزار تحریم‌ها و نیز ناتوانی سازوکارهای سازمان ملل برای مقابله با ارتکاب جنایات بین‌المللی از سوی رژیم صهیونیستی در فلسطین و ائتلاف سعودی در یمن و ائتلاف ایساف در افغانستان، نشان داد که با گذشت بیش از شش دهه از تأسیس جنبش عدم‌تعهد، امروز بیش از هر زمان دیگری برای تقویت همکاری‌ها میان جنبش عدم‌تعهد ضرورت وجود دارد. از منظر سیاسی کشورهای عضو عدم‌تعهد می‌توانند در زمینه ایجاد پیمان‌های مشترک پولی برای مقابله با تحریم‌ها، تقویت چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌المللی، خلع سلاح هسته‌ای، حمایت از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای کشورها، فشار به قدرت‌های بزرگ برای عمل به تعهدات اقلیمی‌شان و تقویت حقوق بین‌الملل و مقابله با سیاسی شدن نهادهای حقوق بشری سازمان ملل همکاری نمایند (کاظمی، ۱۴۰۱).

۳. علاوه بر سازمان ملل متحد، همراهی اعضای جنبش حاضر در شورای حکام آژانس انرژی اتمی نیز ظرفیتی برای حمایت از حق برخورداری از قدرت صلح‌آمیز هسته‌ای برای اعضا به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران است.

۴. جنبش عدم‌تعهد امکان موازنه‌سازی سیاسی - اقتصادی را در قالب ائتلاف‌سازی، بلوک‌بندی و همگرایی برای مقابله با سیاست‌های خصمانه مراکز قدرت جهانی به‌ویژه آمریکا و غرب برای ایران فراهم می‌کند. بنابراین امکان استفاده از این فرصت جنبش از هر زمان دیگری بیشتر است. ایران می‌تواند از قابلیت‌های جنبش برای کاهش فشارهای اقتصادی آمریکا و غرب بر خود بهره‌گیرد (اندیشگاه گفتمان، ۱۳۹۷).

«اگر چه از منظر ماهیت نظام‌های سیاسی، کشورهای جنبش عدم‌تعهد دارای تفاوت‌های اساسی هستند اما از منظر تأکید بر چندجانبه‌گرایی و برابری حاکمیت کشورها، احترام به اصول بین‌المللی و تمامیت ارضی کشورها و عدم‌مداخله در امور داخلی کشورها، اعضای جنبش و همچنین گروه نم دیدگاه واحدی دارند، همکاری‌های سیاسی این کشورها با توجه به ساختار ناعادلانه شورای امنیت، از منظر کمک به برقراری صلح و امنیت بین‌المللی اهمیت دارد. کما اینکه کشورهای عضو نم، بنیان اصلی بسیاری از کنوانسیون‌ها و قطعنامه‌های حقوق بشری و قطعنامه اتحاد برای صلح در مجمع عمومی سازمان ملل بوده‌اند و بر استفاده صلح‌آمیز کشورها از



انرژی هسته‌ای، عدم تبعیض و مقابله با نژادپرستی و لغو تحریم‌ها در سطح بین‌المللی کرده‌اند» (کاظمی، ۱۴۰۱).

باید توجه داشت که گام اول در راستای ایجاد هماهنگی مطلوب میان اعضا و ایجاد تضمین اجرایی برای مفاد قراردادهای و معاهدات درون جنبش، ایجاد یک دبیرخانه دائمی و تبدیل رسمی این جنبش به یک سازمان رسمی بین‌المللی است. این امر مستلزم بازتعریف اهداف جنبش و ایجاد سازوکارهای منسجم برای ارتباط دائمی اعضا است.

نتیجه‌گیری

جنبش عدم‌تعهد در پی ایجاد بلوک سومی بود که نه تنها به هیچ یک از قدرت‌های زمان، وابستگی نظامی، سیاسی و اقتصادی نداشته باشد، بلکه برای تنش‌زدایی میان دو قطب تلاش کند تا آثار سوء رقابت‌های شدید میان آمریکا و شوروی را کاهش دهد.

از منظر سیاسی کشورهای عضو عدم‌تعهد می‌توانند در زمینه ایجاد پیمان‌های مشترک پولی برای مقابله با تحریم‌ها، تقویت چندجانبه‌گرایی در روابط بین‌المللی، خلع سلاح هسته‌ای، حمایت از فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای کشورهای، فشار به قدرت‌های بزرگ برای عمل به تعهدات اقلیمی شان و تقویت حقوق بین‌الملل و مقابله با سیاسی شدن نهادهای حقوق بشری سازمان ملل همکاری نمایند.

جنبش عدم‌تعهد، با توجه به گستردگی، تنوع اعضا و اختلافات ایدئولوژیکی و فرهنگی، تصمیم گرفت فعالیت خود را در قالب جنبش، و نه یک سازمان رسمی بین‌المللی ساماندهی کرده و ادامه دهد. این جنبش اهداف والای انسان‌دوستانه و استعمارستیزانه مشخصی را برای خود تعریف کرده و اعضا را ملزم به پای‌بندی به آن کرد. اما به دلایل زیادی، مانند ناهماهنگی میان اعضا، وجود ناسیونالیسم افراطی و گروه‌بندی‌های داخلی، دخالت قدرت‌های بزرگ و البته وابستگی اقتصادی و ساختاری کشورهای تازه استقلال‌یافته به این قدرت‌ها، عدم‌وجود دبیرخانه‌ای منسجم و غیرالزامی بودن قطعنامه‌ها و بیانیه‌های صادره در اجلاس‌های جنبش، بسیاری از اهداف و اصول اولیه جنبش زیر پا گذاشته شد. پس از پایان جنگ سرد، بحران هویت هم به سایر مشکلات سازمان افزوده شد و عده‌ای، به‌ویژه غربی‌ها، خواستار انحلال سازمان شدند و عقیده داشتند که این جنبش، ماهیت و فلسفه وجودی خود را از دست داده و دیگر دلیلی برای ادامه کارش وجود ندارد. اما اعضای جنبش با تأکید بر سایر کارکردها و اهداف جنبش، بر

ادامه فعالیت آن تأکید کردند. اما جنبش عدم تعهد متأسفانه هنوز جایگاه خود در جهان در حال گذار فعلی را تعریف نکرده و اساسنامه جدیدی برای خود تدوین کرده است.

این جنبش در سه بعد سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای، دارای ظرفیت‌های بسیاری است که می‌تواند زمینه‌ساز اقدامات موثر در عرصه بین‌المللی باشد. در بعد سیاسی باید توجه داشت که جنبش عدم‌تعهد از امتیاز دارا بودن تعداد اعضای بالا از نقاط گوناگون جهان برخوردار است، تعداد اعضای بالا در صورت انسجام و هماهنگی می‌تواند نقش پررنگی در سایر سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد و در تصمیم‌گیری‌های مهم جهانی ایفا کند. مبارزه با امپریالیسم و تلاش برای رهایی ملل تحت ظلم و کمک به توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم از جمله ظرفیت‌های سیاسی این جنبش است. اما چالش پیش رو در این زمینه که برای تحقق عملی این ظرفیت سیاسی باید حل شود، مسئله عدم وجود دبیرخانه دائمی و مستقل است که تضمین عملی برای اجرای قطعنامه‌های این جنبش باشد و هر یک از اعضا نیز سالانه هزینه‌ای جهت عضویت و پیگیری اهداف و منافع خود و جنبش پرداخت نمایند. وجود چنین دبیرخانه‌ای، علاوه بر ارتقاء اعتبار و جاهت و جدیت این جنبش، با ایجاد کمیته‌های گوناگون، به‌ویژه اقتصادی و رسانه‌ای می‌تواند پویایی جدیدی در روابط اعضا با یکدیگر و در فعالیت این جنبش در مجامع بین‌المللی بیفزاید.

در زمینه اقتصادی نیز تعداد بالای اعضا این فرصت را در اختیار جنبش قرار می‌دهد تا مبادلات تجاری و سازوکارهای مالی مستحکم و قابل اتکایی ایجاد نماید. از جمله این سازوکارها، می‌توان به ایجاد نهادهای مالی مشترک، مانند بانک مشترک میان اعضا و یا ایجاد تسهیلات تجاری و گمرکی و در نتیجه ایجاد بازار مشترک اشاره نمود. با توجه به تأکیدی که نظریه نهادگرایی نولیبرال بر ایجاد نهادهای مالی به‌عنوان حلقه اتصال میان دولت‌ها دارد، ایجاد چنین نهاد مالی میان غیرمتعهدها می‌تواند بخش زیادی از نیازهای مالی، کالاهای اولیه و حتی صنعتی و فناوریانه را پوشش دهد. علاوه بر افزایش توان اقتصادی و مالی کشورها، مانع از نفوذ قدرت‌های اقتصادی در جنبش به بهانه تسهیلات مالی شود. از جمله راهکارهای دیگر، می‌تواند تعیین یک واحد پول رسمی در میان این کشورها باشد تا هم حجم مبادلات را تسهیل کند و هم به نوعی منطقه ویژه تجاری ایجاد کند و تأثیرپذیری قیمت‌ها از دگرگونی‌های جهانی دلار و یورو را کاهش دهد.





پیشنهاد‌های رسانه‌ای

فعال کردن ظرفیت‌های ارتباطی - رسانه‌ای و استفاده از آن در عرصه‌های دیگر می‌تواند افق جدیدی در پیش روی اعضای جنبش قرار دهد. به‌علاوه ظرفیت‌های گوناگون موجود در جنبش برای بهبود روابط میان اعضاء به‌ویژه راهکار استفاده از رسانه‌های کشورهای عضو و استفاده از ظرفیت سازمان یونسکو برای تعاملات عادلانه رسانه‌ای در جهان به‌عنوان مهمترین رکن اثرگذاری کشورهای عضو جنبش در عرصه توسعه متوازن، استفاده از دیپلماسی رسانه‌ای بین اعضا و جذب و اقناع افکار عمومی داخلی در راستای اهداف توسعه کشورهای عضو جنبش می‌تواند به ارتقای جایگاه جهانی آن کمک کند. از سایر راهکارهای پیشنهادی علاوه بر ظرفیت‌های رسانه‌ای، می‌توان به همکاری‌های سیاسی، فرهنگی، امنیتی و نظامی و حتی مسائل زیست‌محیطی اشاره کرد. مهمترین راهکارهای ارتباطی - رسانه‌ای شامل همکاری‌های داخلی جنبش در نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو و اتحادیه جهانی ارتباطات راه دور، همکاری در ایجاد رسانه‌های مشترک برای مقابله با جریان رسانه‌ای امپریالیستی و استفاده از رسانه‌های مشترک با هدف اثرگذاری بر جریان اقتصادی، سیاسی و امنیتی در جهان است.

کشورهای عضو عدم‌تعهد به سه طریق کلی می‌توانند برای همکاری با یکدیگر و ایجاد فضای همکاری‌جویانه متقابل اقدام کرده و از ظرفیت‌های بالقوه رسانه‌ای - ارتباطی برای پیگیری اهداف و آرمان‌های خود بهره بگیرند.

۱- تلاش در قالب نهادهای بین‌المللی مانند یونسکو و اتحادیه جهانی ارتباطات راه دور.

۲- همکاری رسانه‌ای متقابل اعضا در ذیل جنبش و بر اساس منافع مشترک و اهداف جنبش.

برای بهره‌گیری حداکثری از ظرفیت‌های رسانه‌ای اعضای جنبش، مهم‌ترین و اصلی‌ترین اقدام، قطب‌بندی کشورهای عضو و مشخص کردن وظیفه و مسئولیتی برای هر یک از اقطاب است. از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین کشورهای عضو جنبش که می‌توانند در راستای تعاملات رسانه‌ای اقدامات مهمی انجام دهند می‌توان به جمهوری اسلامی ایران، مصر، هند، کشورهای امریکای لاتین و کشورهای جنوب شرق آسیا اشاره نمود. مصر یکی از ساختارمندترین و تأثیرگذارترین صنعت‌های رسانه‌ای غرب آسیا را در اختیار دارد. اتحادیه رادیو و تلویزیون مصر موسوم به اِرتو^۱ از مهم‌ترین رسانه‌های مصری است که انحصار رادیوی برون‌مرزی این کشور را نیز در دست دارد (Fanack, 2016). هند علاوه‌بر برخورداری از صنعت سینمایی بالیوود، دارای

^۱. ERTU: Egypt Radio and Television Union



شبکه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی و خبرگزاری‌های مهمی چون «هندوستان سماخارا» به‌عنوان رسانه‌ای چند زبانه است (hindusthansamachar, 2022). به طور کلی هندوستان از ظرفیت شبکه‌های فراملی با نفوذی مانند دوردارشان برخوردار است. جمهوری اسلامی ایران نیز دارای ظرفیت‌های بسیار رسانه‌ای جهت گسترش همکاری‌ها با سایر اعضا و ترویج آرمان‌های جنبش است. ایران علاوه بر رسانه ملی و شبکه‌های برون‌مرزی نظیر سحر، العالم، پرس‌تی‌وی و هیسپان‌تی‌وی، از خبرگزاری‌هایی چون ایرنا و فارس در راستای فعالیت‌های ارتباطی بهره می‌برد (بزرگمهری و نعمتی، ۱۳۹۰). کشورهای آمریکای لاتین در حوزه خبرگزاری‌ها فعالیت و اقدامات بسیار خوبی انجام داده‌اند. برای استفاده از این ظرفیت و به طور کلی ظرفیت‌های کشورهای امریکای لاتین، آشنایی با زبان اسپانیولی ضروری است. کشورهای آسیای جنوب شرقی پیشرفت‌های زیادی در زمینه فناوری‌های نوین و ابزارهای مجازی داشته‌اند که این خود ظرفیت بالایی برای همکاری ایجاد نموده است. این پیشرفت‌های علمی و فناورانه در صورت همراه شدن با ظرفیت تعاملات نخبگانی فی ما بین کشورها به ویژه مالزی و اندونزی با سایرین، باعث شکل‌گیری روابط بلندمدت پایدار می‌گردد (رزمجو، ۱۴۰۱).

۳- ایجاد نهاد رسانه‌ای مستقل در جنبش عدم‌تعهد برای ترویج و اعلام اهداف جنبش و همسو کردن افکار عمومی با آرمان‌های خود. اگرچه یک بلوک رسانه‌ای میان کشورهای عضو عدم‌تعهد وجود ندارد، اما بلوک‌های رسانه‌ای منطقه‌ای وجود دارد که در آنها اغلب اعضای جنبش عدم‌تعهد حضور دارند. از جمله می‌توان به اتحادیه بین‌المللی رادیو آماتور^۱، اتحادیه رادیو تلویزیونی آسیا-اقیانوسیه^۲ و اتحادیه رادیو و تلویزیون‌های اسلامی اشاره کرد. بنابراین، می‌توان همکاری رسانه‌ای در ذیل جنبش عدم‌تعهد را هم از طریق این اتحادیه‌ها یا ائتلاف‌های رسانه‌ای و هم از طریق همکاری‌های چندجانبه را تقویت کرد تا زمینه ایجاد «بلوک رسانه‌ای جنبش عدم‌تعهد» فراهم شود (کاظمی، ۱۴۰۱).

پیشنهاد برای تحقیقات آتی

با توجه به ظرفیت‌های بالایی که در هر یک از کشورهای عضو عدم‌تعهد وجود دارد، پژوهش‌های مکمل برای شناسایی دقیق هر یک از این ظرفیت‌ها می‌تواند کمک شایانی به نحوه فعال‌سازی این قابلیت‌ها کند. البته باید توجه داشت که بررسی هر کدام از ظرفیت‌های

1. IARU: International Amateur Radio Union

2. ABU: Asia-Pacific Broadcasting Union



سیاسی، اقتصادی و رسانه‌ای باید ناظر بر اهداف همسو با اصول جنبش عدم‌تعهد باشد. از دیگر زمینه‌های پژوهشی که در این راستا می‌تواند راهگشا باشد، بررسی دقیق رسانه‌های فعال کشورهای کلیدی غیرمتعهد، مخاطبان و میزان نفوذ و تاثیرگذاری هریک، در افق اهداف جنبش و ایجاد همگرایی بیشتر میان اعضا و ملل عدم تعهد، می‌باشد.

منابع و مأخذ منابع فارسی

آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۰). **سیاست اطلاع‌رسانی و تکنولوژی اطلاعاتی، اطلاعات و ارتباطات**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اسلامی، سعید و کاوه‌تلاوکی، مسعود (۱۳۹۲)، «بررسی تأثیرات متقابل ایران و جنبش عدم تعهد»، **فصلنامه مطالعات سیاسی**، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۱۹۲-۱۶۷. اندیشگاه گفتمان (۱۳۹۷)، «نحوه تعامل و استفاده ایران از ظرفیت‌های جنبش عدم تعهد»، قابل دسترسی در:

<https://iranthinktanks.com/how-iran-interacts-with-and-uses-the-capacities-of-the-non-aligned-movement/>

بابایی، پویان (۱۳۹۵)، **تاریخچه و عملکرد جنبش عدم تعهد**، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

بزرگمهری، مجید و نعمتی، فاطمه (۱۳۹۰)، «تأثیر دیپلماسی رسانه‌ای بر سیاست خارجی: تبیین راهکارها»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره هفدهم، زمستان. بستان‌بان، مرجان (۱۳۹۲)، «بررسی اجلاس جنبش غیرمتعهدها و امکان تحقق صلح عادلانه و فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران از دیدگاه حقوق بین‌الملل»، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

ترکی، هادی و قربانی‌شیخ‌نشین، ارسلان (۱۳۹۸)، «رویکردها و مناسبات ایران و جنبش عدم تعهد»، **فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی**، سال سوم، شماره ۹، زمستان.

جمشیدی، محمدحسین (۱۳۹۶)، «انقلاب اسلامی و راهبرد عدم تعهدگرایی جهانی؛ از نظر تا عمل»، **فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام**، شماره ۱۴.

خبرگزاری ایرنا (۱۴۰۰)، «جنبش عدم‌تعهد خواستار پایان دادن فوری به تحریم‌های یکجانبه علیه کشورها شد»، کد خبر: ۸۴۶۵۹۶۷۸، منتشر شده در ۳ اسفند ۱۴۰۰



علایی، حسین (۱۳۹۱)، «ریاست ایران بر جنبش عدم‌تعهد: فرصتی برای ارتقاء امنیت ملی و افزایش نقش تأثیرگذار جنبش»، **فصلنامه سیاست خارجی**، سال بیست و ششم، شماره ۲، صص ۳۷۸-۳۶۳.

علی‌حسینی، علی و ابراهیمی، علی (۱۳۹۱)، «نقاط اشتراک ایران و آمریکای لاتین در تقابل با سیاست‌های آمریکا: بررسی موردی برنامه هسته‌ای ایران»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌الملل**، سال ۱۴، شماره ۱۳، صص ۷۸-۴۳.

فتاحی، مهدی (۱۳۸۸)، «جایگاه جنبش عدم‌تعهد پس از فروپاشی بلوک شرق»، **دانشنامه دانشگاه آزاد اسلامی**، دوره ۲، شماره ۳، صص ۲۲۴-۱.

فرح‌زاد، محمد (۱۳۷۲)، «رابطه اطلاعات و ارتباطات»، **نشریه رسانه**، شماره ۱۵ کچوئیان، جواد (۱۳۹۱)، «ظرفیت‌سازی‌های جدید در جنبش عدم‌تعهد»، **ماهنامه رویدادها و تحلیل‌ها**، شماره ۲۶۷.

کوزه‌گرکالجی، ولی (۱۳۸۵)، «جنبش عدم‌تعهد در نظام نوین بین‌الملل»، **نشریه گزارش**، سال شانزدهم، شماره ۱۸.

مصطفی‌پور، منوچهر (۱۳۹۱)، «ویژگی‌های اقتصادی کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد»، **ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی**، شماره‌های ۶ و ۷.

محسنی، مصطفی (۱۳۹۲)، «مناسبات جمهوری اسلامی ایران و جنبش عدم‌تعهد»، پایان‌نامه برای اخذ درجه کارشناسی ارشد.

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۲)، **تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل**، تهران: سمت.
معتمدنژاد، کاظم (۱۳۶۹)، **جهان سوم در راه استقرار نظم بین‌المللی نوین اطلاعات و ارتباطات**، تهران: انتشارات سروش.

نای، جوزف و دیگران (۱۳۹۵)، **قدرت و موازنه نرم در سیاست بین‌الملل**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

مصاحبه‌ها

- کاظمی، احمد (۱۴۰۱)، «ظرفیت‌های جنبش عدم‌تعهد برای جمهوری اسلامی ایران»، تهران.
بهشتی‌پور، حسن (۱۴۰۱)، «ظرفیت‌های جنبش عدم‌تعهد برای جمهوری اسلامی ایران»، تهران.
رمزجو، علی‌اکبر (۱۴۰۱)، «ظرفیت‌های جنبش عدم‌تعهد برای جمهوری اسلامی ایران»، تهران.
مؤمنی، مجیدرضا (۱۴۰۱)، «ظرفیت‌های جنبش عدم‌تعهد برای جمهوری اسلامی ایران»، تهران.

حداد، غلامرضا (۱۴۰۱)، «ظرفیت‌های جنبش عدم‌تعهد برای جمهوری اسلامی ایران»، تهران.

منابع انگلیسی

- Bell, Daniel (1979), **The Social Framework of the Information Society**, Cambridge, MA., MIT Press.
- CORDIS** (1993), "White Paper on growth, competitiveness and employment: Introduction of the technological aspects", European Commission, Available at: <https://cordis.europa.eu/article/id/2090-white-paper-on-growth-competitiveness-and-employment-introduction-of-the-technological-aspects>Jazic
- Hindusthansamachar** (2022), Available at: <https://english.hindusthansamachar.in/>
- Fanack** (2016), "Media in Egypt", Available at: <https://fanack.com/egypt/media-in-egypt/>
- Fawcett, Luise (2016), **International Relation of the Middle East**, Oxford Press, 2016
- Jazic, Zivojin (2005), "The Non-Aligned Movement Yesterday and Today – In the Process of Globalization: critical View", **Croatian International Relations Review**
- Keethaponcalan, S. I. (2016), "Reshaping the Non- Aligned Movement: challenges and vision", **Bandung: Journal of the Global South**, 3:4
- Ogilvie-White, Tanya (2007), "International Responses to Iranian Nuclear Defiance: The Non-Aligned Movement and the Issue of Non-Compliance", **The European Journal of International Law**, Vol. 18 no. 3
- Rasool, Arshed, and Pulwama, Arihal (2013), "Non-Aligned Movement in 21st Century: Relevant or Redundant? A Debate", **IOSR Journal of Humanities and Social Science**, Vol. 11, Issue 4
- Siochu, Sean (2004), "Will the Real WSIS Please Stand Up? The Historic Encounter of the "Information Society" and the "Communication Society"", **International Communication Gazette**, Vol. 66, Issue 3-4.
- Strydom, Hennie (2007), "The Non-Aligned Movement and the Reform of International Relations", **Max Planck Yearbook of United Nations Law**, Vol. 11

